



اقدام به موقع شورای شهر و شهرداری اردبیل



کلی گویی آفتی برای ورزش

پول کثیف و انتخابات فوتبال

استعداد هایی که ته می کشند

مقصر کیست؟!!

زهر هلاهی به نام فوتبال

مدیریت فوتبال شهر اردبیل

فوتبال اردبیل و تیغ جراحی

فضول باشی و طرفداری از حق

زهر هلاهی بنام فوتبال

اولی: عده‌ای زیبایی‌های ورزش و فوتبال را زهر هلاهل کرده‌اند به کاممان.

دومی: مگر خبری است؟ اصلاً فوتبالی وجود دارد که اذیت‌مان بکند؟

اولی: انتخابات هیئت‌های ورزشی به جای این که دوی دردهایمان باشد، خود به دردی بزرگ تبدیل شده‌اند.

دومی: سنت مذمومی که کاندیداها از ماه‌ها قبل از مجمع با قشون‌کشی و متلک‌اندازی و شعارهای آن چنانی به قصد فریب افکار عمومی وارد صحنه می‌شوند، آزاردهنده است.

اولی: کاش کار به این جا ختم می‌شد. تازگی‌ها پا را فراتر از آنچه تصور بشود، گذاشته‌اند و مرزهای اخلاق را درنور دیده و به طرفداری از فوتبال، آبروی هر چه فوتباله برده‌اند.

دومی: برخی‌ها آتش‌بیار معرکه‌اند چرا که نان خود را در فوتبال و تنور اختلافات پخت می‌کنند.

اولی: ای کاش قال قضیه انتخابات هیئت فوتبال را هرچه زودتر بکنند تا پیش از این فضای مجازی شاهد بداخلاقی‌های ناشی از هواداری و یا مخالفت با کاندیداها نباشد.

دومی: چه چیزی موجب ناراحتی تو را فراهم کرده و به چه دلیلی این قدر از کاندیداها و هواداران‌شان دلگیری؟

اولی: گاهی وقت‌ها در قالب صفحات جعلی، حرف‌هایی زده می‌شود که برخورد با عاملین این رفتارها ضروری است.

دومی: شکایت بکنند و پلیس فتا و دادگستری را در جریان بگذارند.

اولی: چند روز پیش در یک پستی دیدم که مخالفان‌شان را به داشتن پدران عقیم متهم کرده و چنین دیوارهای شرم و حیا را ویران نموده و بی‌اخلاقی را به حد اعلا رسانده بودند.

دومی: چه زیبا می‌شود که پلیس فتا، عاملان چنین حرکت‌های گستاخانه را دستگیر بکنند و کسانی را که بی‌دلیل سیل اتهامات را به سوی عده‌ای دیگر روانه می‌کنند به دست قانون بپارند.

اولی: حالا این آقایان با شعار خدمت به فوتبال گام به صحنه گذاشته‌اند. اصرار برای رسیدن به ریاست و یا پافشاری برای از دست ندادن آن، موجب چنین رفتارهای چندان آوری می‌شود و حالی برای علاقه‌مندان به فوتبال باقی نمی‌گذارد.

دومی: آیا ریاست بر هیئتی که دستش خالی و رویش سیاه است، ارزش پایمال کردن اصول انسانیت، مردانگی و جوانمردی و آورده کردن فضای ورزش و فوتبال را دارد؟ چرا در فوتبال ما ارزش‌ها رنگ‌باخته و حرکت‌های شرم‌آور و دروغ و دروغ‌گویی از رونق بیشتری برخوردار شده‌است؟

موضوع هفته



ما را در فضای مجازی دنبال کنید

@donya_ardebil

فوتبال و جنگ لفظی در فضای

فوتبال منطقه استثنایی و بدون رقیب تلقی می‌کند.

مخالفان نوتاش برای اینکه مخالفت خود با ادامه مسئولیت وی را به گوش مسئولین و فوتبالی‌ها برسانند از صفحه‌ای به نام اردبیل توپچیلاری استفاده می‌کنند مدیر این صفحه

یکی از فوتبالیست‌های سال‌های نه چندان دور به نام للمیثم رشیدی □ است این صفحه تا یک ماه قبل اخبار مربوط به فوتبال منطقه و عکس‌های قدیمی و خاطره‌انگیز از فوتبالیست‌ها و اماکن ورزشی را منتشر می‌کرد ولی

از روزی که صلاحیت مدیریتی کاندیداها هیئت فوتبال به طور رسمی اعلام شد این صفحه به پایگاهی برای مخالفت با برنامه‌های هیئت فوتبال و کاندیداتوری صمد

نوتاش تبدیل شد فعالان در این صفحه کاملاً شناخته شده‌اند و همه پیام‌ها با نام اصلی اعضای صفحه منتشر می‌شود.

مشخص بودن گردانندگان صفحه اردبیل توپچیلاری و انتشار پیام فوتبالیست‌ها با عکس و تصویر واقعی، موجب شده‌است که در این صفحه پیام‌های خارج از چهارچوب اخلاق ورزشی کمتر منتشر بشود این امر نقطه قوتی برای این صفحه هست.

طرف‌ارانی که برای حمایت از رئیس هیئت فوتبال استان در اینستاگرام فعال هستند معمولاً با عناوین جعلی نسبت به راه‌اندازی آن اقدام کرده‌اند.

فوتبال و جنگ لفظی در فضای مجازی چند روزی است که فضای مجازی به

صحنه‌ای برای خالی کردن عقده‌ها و طرفداری‌های بی‌حساب و کتاب و حملات گسترده و به نوعی آشفتگی با درصد بسیار بالا در مورد انتخابات

هیئت فوتبال استان تبدیل شده است. فوتبالیست‌های دهه هفتاد و هشتاد در اینستاگرام کمپینی با عنوان نه به نوتاش راه انداخته‌اند این افراد که در

میان‌شان چهره‌های معروف فوتبالی دیده می‌شوند با تهیه کلیپ‌های ۳۰ ثانیه‌ای با عنوان لُنه به نوتاش □ مخالفت خود را با عملکرد ده ساله

صمد نوتاش رئیس هیئت فوتبال استان اعلام کرده و می‌گویند که ادامه مدیریت وی به نفع فوتبال استان نبوده و اگر بار دیگر اعضای مجمع به او رأی دهند تا سال ۱۴۰۱

فوتبال منطقه خوانده می‌شود و وضعیت این رشته پرطرفدار از این که این روزها به آن دچار است بد و بدتر خواهد شد.

از طرف دیگر طرفداران رئیس هیئت فوتبال نیز بیکار ننشسته‌اند و در مقام مقابله، صفحاتی با عنوان فوتبال نیوز اردبیل و یا ورزش پارس آباد راه انداخته و برای حمایت تمام‌قد از صمد نوتاش کمر همت بسته‌اند به نظر می‌رسد این گروه در حمایت خود از رئیس هیئت، افراطی عمل کرده و حتی به او لقب معمار فوتبال اردبیل داده و خدمات وی را در طول تاریخ

دل نوشته فوتبالی، صادق باشیم

برخلاف اساسنامه ۲۸ را با ۳۵ مساوی تلقی می‌کنند. چه زیبا خواهد بود که دلیل این اقدام را بگویند و شفاف‌سازی بکنند.

کسانی که بی‌دلیل و به‌خاطر هواداری از یک فرد و یا یک مجموعه، تهمت می‌زنند و قدرت خود را به نمایش می‌گذارند و دیوارهای اعتماد را یکی پس از دیگری خراب می‌کنند از سیلی روزگار بترسند. آن‌ها در هر موقعیتی که باشند فرقی نخواهد کرد، رئیس باشند و یا مرنوس، منتقد باشند و یا مسئول. رفتار خارج از چارچوب و اصول اخلاقی نشان می‌دهد که هنوز باد به زخم آن‌ها نخورده است. از خداوند بزرگ بترسند و بی‌دلیل و به‌خاطر دنیا و حفظ موقعیت و مقام و یا رسیدن به میز و صندلی قدرت، حق را پایمال نکنند و با آبرو و حیثیت افراد بازی ننمایند.

همه مسئولین و دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به فوتبال باید طوری رفتار نمایند تا از خود نام نیک به یادگار بگذارند. با گذشت بیش از چهار سال هنوز هم وقتی اسمی از "حبیب نجفلو" به میان می‌آید به احترام‌اش به پا می‌خیزند و کلاه از سر برمی‌دارند. او را معمار بزرگ فوتبال اردبیل می‌دانند و برایش هورا می‌کشند و چنین است یاد کردن از دیگر خدمت‌گزاران فوتبال چون "مالک بابک"، محمود نوری، مسعود هوشمندی و... پس برای ریاست و برای دیده شدن‌ها و برای چند صباحی چهره شدن به آینده جوانان منطقه آسیب نزنیم و منافع جمع را فدای خواسته‌های شخصی و هوای نفسانی نکنیم.

اجرای برنامه‌های پرمحتوا و حرکت رو به جلو فوتبال از اهمیت زیادی دارد. کسانی که با فوتبال زندگی کرده و با موفقیت آن خنده بر لبانشان نقش بسته و با شکست‌هایش گریه کرده‌اند منافع آن را با چیز دیگری معامله نمی‌کنند. ده‌ها عنوان دهان‌پرکن در فوتبال را فدای یک گام به جلو آن می‌کنند. اگر واقعاً توان و قصد خدمت به آن را نداریم، نه برای به دست آوردن مسئولیت‌اش تلاش بکنیم و نه برای استمرار ریاست‌اش بکوشیم. فوتبال حق‌الناس است و باید از ضربه زدن به آن واهمه داشته باشیم و از فردای خود بترسیم.

و خدا را شاکر و سپاس‌گزارم که تاآنجا که در توان داشتم به سهم خود برای فوتبال منطقه ادای وظیفه کرده‌ام. زیر بار منت کسی نرفته و سربلندی و سرافرازی فوتبال را بر هر بحث دیگری وقدم داشته‌ام.

نه بر شتری سوارم، نه چو خر به زیر بارم

نه خداوند رعیت نه غلام شهریارم

سربلندی آن به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. نه هوای رئیس شدن در سر دارد و نه قانون اجازه آن را می‌دهد و نه از توان و قدرت کافی برای انجام وظیفه بهره می‌برد. نه منافی در فوتبال دارد و نه به‌دنبال مدرسه، آکادمی و تیم‌های یک‌شبه تشکیل‌شده و خرید و فروش امتیاز و یا به‌طور کلی دلالتی در این صحنه است. اگر حرفی زده می‌شود و مطلبی بیان می‌گردد جز دلسوزی برای فوتبال چیز دیگری نیست. ناله آب از ناهمواری زمین است. مردانگی کنید و فوتبال را در مسیر درست و صحیح هدایت نمایید آن‌گاه خواهید دید که نمی‌توان روز روشن را شب نامید و خدمت را خیانت تلقی کرد.

هیچ‌چیز بی‌انگیزه و علت نیست. کسی که روزهای خوش فوتبال اردبیل را دیده‌است باید هم از مشاهده وضع موجود فریاد بزند و بر سر و سینه بکوبد. بیان واقعیت‌ها را به دشمنی با یک مجموعه تلقی نکنید و به‌جای برطرف کردن مشکلات و صرف انرژی در مسیر اصلاح امور، توان خود را در توهین به دیگران و فرو ریختن دیوار حرمت‌ها به کار نگیرید. هر کسی که در سطح جامعه، قبول مسئولیت نماید باید دلی به وسعت دریا در مقابل انتقادات و تفسیرها و نظرات مختلف داشته باشد. در دنیای سیاست و در مسئولیت‌های بزرگ در جامعه جهت مقابله با منتقدین، گروه‌های مختلف ناشناس و آشنا تشکیل نمی‌شود، حرف‌ها را می‌شنوند و هر جا لازم باشد، پاسخ می‌دهند این سنت پسندیده متأسفانه در فوتبال فراموش‌شده و جای آن را مقابله با هزاران حرف و حدیث گرفته‌است. به جای تهمت زدن و حرف‌های بی‌پایه منتشر کردن، دلایل کافی ارائه کنیم و قضاوت نهایی را به مردم واگذار نماییم.

این امر برای هر دو طرف قضیه صادق است. منتقدین باید دلایل خود را در رد و یا تأیید یک موضوع به‌روشنی بیان کنند و طرف مقابل نیز به بند بند مشکلات بپردازند و از کلی‌گویی پرهیز نمایند.

یکی دو مثال در این رابطه می‌تواند در تشریح این بحث مساعدت بکند. بعد از رونمایی از کتاب "فوتبال اردبیل" و "خاطرات فوتبالی"، کانال تربیون آزاد مدعی شد که ۲۰ میلیون تومان، اداره‌کل ورزش و جوانان به مؤلف کتاب هدیه داده‌است. این مطلب توسط یکی از چهره‌های شناخته‌شده و منتسب به برخی از حضرات به‌طور گسترده منتشر شد. هم اداره‌کل و هم مؤلف کتاب این ادعا را تکذیب کردند ولی تا به حال آقایان، نه مدرکی دال بر ادعای خود ارائه کرده‌اند و نه برای تکذیب و بیان هدف خود از انتشار آن اقدام نموده‌اند. دومین مثال: بارها گفته‌شده که در هیئت فوتبال استان

دوستی از نزدیکان مسئولین فوتبال استان، در تماسی گفت: "به چه دلیل بیشتر نوشته‌هایت در مورد فوتبال است و کمتر به دیگر رشته‌ها می‌پردازی؟ به‌عنوان یک ورزشی‌نویس باید از حق تمام رشته‌ها دفاع بکنی، پس چرا فقط به فوتبال اهمیت می‌دهی؟ این کار تو سؤال‌برانگیز می‌شود و شک و شبهه برجای می‌گذارد."

به این رفیق‌م‌گفتم: برادر عزیز بعد از نزدیک به پنجاه سال حضور در دنیای رسانه، باید بگویم که درگام اول حقیر یک فوتبالی‌نویس است تا یک ورزشی‌نویس. کار اصلی من پرداختن به فوتبال است. چه کسی می‌تواند ادعا بکند که در مورد همه رشته‌های ورزشی اطلاعات کامل و وافی دارد؟ برادر، من اگر در یک موردی از اطلاعات کافی برخوردار نباشم، ورود نمی‌کنم. درمورد آن دسته از رشته‌های ورزشی که شناخت کافی ندارم، می‌توانم یک خبر بنویسم ولی تحلیل و یادداشت باید در مورد رشته‌ای باشد که از آن شناخت داشته باشم.

به او در ادامه گفتم: شک و تردیدی هم نداشته باش. با هیچ فرد و عزیز، خدای‌ناکرده خصومت و دشمنی نداشته و شراکتی در مال و منال هم ندارم. خط‌قرمز همه کسانی که صادقانه به فوتبال فکر می‌کنند و به آن عشق می‌ورزند، فوتبال است و بس. هر فرد و هر مجموعه‌ای که به آن خدمت بکند، عزیز است و گرامی و هر احدی که در آن، علی‌رغم داشتن مسئولیت کوتاهی نماید و گنجشک رنگ‌کرده را به نام قناری به جامعه معرفی بکند، مورد سرزنش واقع می‌شود و باید جوابگو باشد.

این روزها عده‌ای بدجووری در تلاش هستند و به هر دری می‌زنند تا بلکه بتوانند به آنچه که می‌خواهند دست پیدا بکنند. یکی می‌خواهد رئیس بشود و دیگری دوست دارد رئیس باقی بماند. یکی دوست دارد مسئولیتی که در مجموعه فوتبال به دست آورده به هر قیمت و بهایی از دست ندهد و آن دیگری علاقه‌مند است که در جای او بنشینند و امر و نهی نماید. یکی عشق مطرح شدن و رسیدن به پست‌های حساس دارد و فوتبال را بهترین وسیله و مطمئن‌ترین نردبان تشخیص داده‌است و دیگری فوتبال را کم‌خرج‌ترین و آسان‌ترین راه برای معرفی شدن تلقی می‌کند و برای رسیدن به مسئولیتی در این حوزه برنامه‌ریزی کرده و وارد عرصه کارزار می‌گردد و یکی اجرای عدالت در فوتبال را نادیده می‌گیرد و صحنه آن را در اختیار خودی‌ها قرار می‌دهد و دیگری غصه فوتبال دارد و آرزوی رسیدن آن به اوج را در سر می‌پروراند.

نگارنده این سطور هم در وضعیتی است که جز فوتبال و

فوتبال و جوی آقا رفیع و آقا شفیع



می‌دانند که در فوتبال اردبیل تحرکی وجود ندارد همچنان بر راه غلط خویش و ادامه آن اصرار می‌کنند؟ این رفتارها که دیده می‌شود انسان ناخودآگاه به یاد سخن آن شاعر می‌افتاد که گفت:

به شادکامی دشمن کسی سزاوار نیست که نشود سخن دوستان خیراندیش

آقا شفیع. خلاصه تغییر مدیریت‌ها را با هدف ایجاد تحرک و پیاده کردن راه و رسم‌نویسن در اداره امور انجام می‌دهند و مسلماً فوتبال جدای از سایر پدیده‌های اجتماعی نیست و به برخی از تغییر و تحولات نباید بیش‌ازحد حساسیت نشان داد.

به‌جز اندک افرادی که در سال‌های اخیر در آزمون وفاداری به فوتبال و احترام گذاشتن به رأی فوتبالی‌ها از افکار عمومی نمره قبولی نگرفته‌اند، اکثریت می‌خواهند برای پایان دادن به ناله‌های فوتبال، درمان خاصی انجام پذیرد.

معمولاً انگیزه اختلافات و کشمکش‌ها روابط مالی است، روی این اصل گفته‌اند که هیچ بده را با هیچ بستان کاری نیست. خوشبختانه فوتبالی‌های ناب اردبیل نه به دنبال منافع اند و نه به جیب خود فکر می‌کنند بنابراین اختلاف و کشمکش در میان آن‌ها مفهومی نخواهد داشت.

اجازه خودنمایی و برهم زدن جو دوستی و مهربانی در فوتبال را ندهیم و آسیب زندگان به آن را در هر موقعیتی که باشند از جامعه فوتبال طرد نماییم تا دیواره روزهای آفتابی برای فوتبال ما رقم بخورمان شاء‌الله. (۹/۱/۱۴۰۰).

آقای انوشیروانی، آقای پیله ور، ما را به بزرگی خودتان ببخشید فوتبال شهر اردبیل را دریابید. چه کسی باید جوابگوی وضعیت آن و حاکمیت سکوت در این رشته پرطرفدار باشد؟

کسانی که نابودی فوتبال شهر اردبیل را با تمام وجود لمس می‌کنند و در محافل خصوصی به آن اعتراف می‌نمایند، چگونه شب‌ها با آرامش سر به بالین می‌گذارند و در پیشگاه خداوند بزرگ احساس شرمندگی نمی‌نمایند؟

چرا و به چه دلیل از این همه مسئول با عنوان دهان‌پرکن کسی پیدا نمی‌شود که بنشیند و تحقیق جزئی بکند و به نتیجه برسد. اگر آن‌هایی که مدعی اند در فوتبال شهر اردبیل سال‌هاست که اقدام مثبتی انجام پذیرفته، دروغ گفته‌اند محاکمه‌شان بکنند و اگر ادعای آن‌ها ثابت شد، مسبان این فعل را مورد بازخواست قرار دهند.

به چه دلیل حرف‌های دلسوزانه و ناصحانه کسانی که نگران وضع فوتبال شهر اردبیل هستند از نظر مسئولان باد هوا تشخیص داده می‌شود؟ چرا عزیزی که می‌دلنند و

این روزها فضای مجازی در آستانه برگزاری مجمع انتخاباتی هیئت فوتبال استان به عرصه‌ای برای جوسازی‌ها تبدیل شده‌است.

عده‌ای نان خود را در آشفتنی بازار فوتبال جستجو می‌کنند. برای این که سرپوشی بر همه مسائل مطروحه بکشند چه وسیله‌ای بهتر از سرگرم کردن فوتبالی‌ها و ایجاد شکاف بین آن‌ها.

گویا این سیاست تا حدودی در روزهای اخیر کارساز شده و حضرات به آرزوی خود دست یافته‌اند ولی وظیفه فوتبالی‌ها درلین‌میان بسیار سنگین است.

هدف همه کسانی که دل در گروی ورزش و فوتبال دارند چیزی جز پیشرفت و توسعه آن نیست. تحقق این امر وحدت و یکپارچگی همه اهالی فوتبال اردبیل را طلب می‌کند.

همه فوتبالی‌ها باید مواظب برخی از رفتارهای تفرقه‌آمیز باشند. ایجاد جو کم‌محبی در بین فوتبالی‌ها، نهلیت آرزوی کنگر خورده‌های لنگر انداخته در فوتبال می‌باشد. با هر اقدام و حرکت سؤال‌برانگیز که برهم‌زننده جو وحدت و همراهی باشد، باید برخورد کرد و عاملان آن را در رسیدن به نقشه‌های اتاق فکرشان ناکام گذاشت.

فوتبالی‌های اردبیل سال‌ها در کنار یکدیگر نفس کشیده و توپ زده‌اند و مسلماً از این به بعد نیز دوست دارند با بهبود وضعیت فوتبال، پایشان به ورزشگاه‌ها باز شود و خاطرات خوش روزهای گذشته زنده گردد. می‌گویند همان‌ها که دویدند، همان‌ها که خزیدند، آخر به‌هم رسیدند.

برای به قدرت رسیدن یک نفر و یا پلیمان دادن به حکومت فرد دیگر، دیوارحرم‌ها را خراب نکنیم و با هواداری از افرادی که در جامعه ورزش و فوتبال از مقبولیت برخوردار نیستند، خیلی‌ها را از خود نرنجانیم.

بپذیریم که دنیا همیشه به کام یک نفر نمی‌گردد و یا دنیا همیشه به یک پاشنه نمی‌گردد. یک فرد تا ابد نمی‌تواند در یک جایگاه قرار بگیرد و دو دستی میز و صندلی را در آغوش بگیرد. رفاقت‌ها و سلام و علیک هایمان را بی‌جهت و از سر لجبازی پلیمال نکنیم و با ترس از دست دادن موقعیت کذائی، چشم بر واقعیت‌ها نبندیم و حقیقت موجود را با موضع‌گیری‌های غلط و جانبدارانه لکه‌دار نماییم.

از قدیم گفته‌اند: همیشه آب نمی‌رود به جوی آقا رفیع، یک روز هم می‌رود به جوی

آقای فرماندار؛ شما خبر دارید که در سال‌های اخیر در شهر اردبیل مسابقه فوتبال باشگاهی برگزار نشده‌است؟ نکند حضرات آمارهای ساختگی ارائه کرده و حتی با تشویق شما نیز مواجه شده‌اند؟ آیا در لین مدتی که بر مسند فرمانداری این شهر تکیه زده‌اید یک‌بار از وضعیت و موقعیت فوتبال شهر اردبیل نه در سطح کشور و منطقه بلکه در سطح استان سؤال کرده و جواب گرفته‌اید؟

آقای مدیرکل ورزش و جوانان؛ شما در قبال فوتبال شهر اردبیل چه موضع‌گیری کرده و مجموعه تحت مدیریت خود را با سؤال مواجه نموده‌اید؟ نکند شما هم بنا به مصالحی ورزش و فوتبال شهر اردبیل را به امان خدا سپرده‌اید و معتقدید که دلماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور.

آقای رئیس ورزش و جوانان شهرستان شما چطور؟ سکوت در قبال فوتبال شهر و عدم توجه به آن تا به کی باید ادامه پیدا بکند؟ گویا حساسیت فوتبالی‌های اردبیل به ورزش مورد علاقه‌شان تحریک‌کننده بی‌تفاوتی شما می‌باشد. این روزها گذشت ولی واقعاً اگر معتقد باشیم، آیا به نحوه جوابگویی در قبال این عملکرد خود در پیشگاه خداوند در روز قیامت فکر کرده و اندیشیده‌اید؟ میزها و صندلی‌ها و نشستن در پشت آن‌ها و برخوردار شدن از عناوین مدیریتی، ارزش سکوت در برابر پامال شدن حق یک عده جوان جویای نام را ندارد.

و اما خواهشا؛ با انتشار این مطلب فضای مجازی را به عرصه‌ای برای حمله به نگارنده آن نکنید. اگر چنین قصدی هم داشته باشید لطف کنید و گوشه‌ای از فعالیت هیأت فوتبال شهر اردبیل را از اول سال ۱۳۸۰ تاکنون بفرمایید و سپس ما را حامل بی‌مزد و بی‌سواد و دیگران را مهندس و معمار و

تحصیلکرده بخوانید.

مسئولین اگر نمی‌خواهند به ورزش و فوتبال و جوانان شهر اردبیل فکر بکنند و گوشه‌ای از نیازهای آن‌ها را برآورده نمایند به‌صراحت بگویند تا دم فروبندیم و بی‌خود و بی‌جهت برای خود دشمن تراشیم و به دوربین بر دوش‌های تحلیلگر و کارشناس خبره فوتبال فضای ابراز وجود ندهیم. اگر قرار است پرونده فوتبال شهر اردبیل بسته شود و فعالیتی در آن انجام نگیرد از سوی اداره ورزش و جوانان شهرستان اردبیل رسماً اعلام شود تا خیال همه طرفداران و دلسوزان فوتبال شهر اردبیل راحت شود.

قضیه میخ طولیه

روزی مردی بر در خانه خود نشست به بود. یکی از روستاییان سوار بر خر از جلوی او گذشت. صاحب‌خانه با روستایی آشنایی دوری داشت ولی نه در حد زیاد. رهگذر سلامی کرد و صاحب‌خانه پاسخی و بفرماید. روستایی گویی منتظر این کلام شیرین بود، به‌سرعت از الاغ خویش پائین پرید و گفت: آئی چشم. رفیق عزیز بفرما میخ طولیه خرم را کجا بگویم؟ صاحب‌خانه که دید یک کلمه تعارف کرده و دو سه روز بلید به شکم بکشد، گفت: بیا بکوب سر زبان بنده. ما هم غلطی کردیم، نوشتیم و یا گفتیم به وضعیت فوتبال شهر اردبیل برسید.

حالا آقای انوشیروانی و آقای پیله‌ور اگر در دایره مدیریت شما برای فوتبال شهر اردبیل جایی نیست از پرداختن به این‌موضوع عذرخواهی می‌کنیم. شما مسئول هستید و ورزشی و آشنا به امور، حتماً صلاح شهر اردبیل نداشتن فوتبال است. پایدار باشید. اشتباه از ما بوده، ما را به بزرگی خودتان ببخشید. یا حق.

اقدام به موقع شهردار

اقدام به خرید ماشین‌آلات سنگین توسط شهرداری و شورای شهر بلافاصله بعد از بحران ایجاد شده از بارش برف، پرده از روی برخی واقعیت‌های موجود در مجموعه شهرداری را کنار زد و بر کم‌محبتی‌هایی که نسبت به این مجموعه در سال‌های نه‌چندان دور روا داشته شده، مهر تأیید زد.

به چه دلیلی شهرداری شهری که از سردترین نقاط کشور محسوب می‌شود در ده سال گذشته یک دستگاه ماشین‌آلات سنگین پیشرفته به مجموعه داشته‌هایش اضافه نشده‌است؟ کدام داشته؟ مگر ماشین‌آلات بوده که برای تکمیل ناوگان آن اقدام نمایند؟ آن‌هایی که در این شهر مسئول بوده و هر روز آماری جدید و کارنامه‌های درخشان را مدعی بودند آیا دلیل قانع‌کننده‌ای دارند که با کدام دوراندیشی و برنامه‌ریزی، توان شهرداری برای روبرو شدن با بحران‌های ناشی از حوادث غیرمترقبه را به صفر رسانده‌اند؟

آن‌هایی که با ادعای از دور خارج کردن ماشین‌آلات فرسوده، فکری به جایگزینی آن‌ها نکردند و دست شهرداری را برای انجام وظیفه‌ی بهتر در مواقع بروز بحران، خالی و خالی‌تر از همیشه کردند، چگونه ادعای خدمت‌گزاری دارند و خود را در حل مشکلات شهر و منطقه سزاوارتر و لایق‌تر از همه می‌پندارند؟

شهردار اردبیل در ایامی که شهر در پوششی از لایه‌های ضخیم برف به‌سختی نفس می‌کشید و در قبال ساکنین اش به دلیل برخی از کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌های مسئولین گذشته، احساس شرمندگی می‌کرد اصلاً لب به گلایه باز نکرد و با بیان حقایق موجود در مورد امکانات شهرداری ایجاد نگرانی نمود و با بهانه قرار دادن عملکرد گذشته‌ها دست به خودنمایی نزد، ایستاد و همه انتقادات و حرف‌ها و سخن‌ها را مردانه شنید و گامی از عرصه مسئولیت و پذیرش کمبودها عقب نگذاشت و با بسیج امکانات موجود در شهر در راستای تامین خواسته‌های همشهریان شبانه‌روز در صحنه ایستاد و احساس خستگی نکرد.

بارش برف سنگین یعنی نعمتی که خداوند قادر و مهربان نصیب مردم ولایت‌مدار منطقه کرد و در کنار آن مردم، مسئولی را در کنار خود دیدند که در جهت توجیه مشکلات اقدامی نمود و بعد از پشت سر گذاشتن روزهای بحرانی در اولین فرصت برای جبران کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌های مسئولین گذشته شهر و شهرداری اقدام نمود.

بدون‌شک اقدام محمود صفری و شورای شهر برای تجهیز کردن شهرداری به یک ناوگان قابل‌اعتماد از ماشین‌آلات سنگین، خدمتی ماندگار برای شهر و مردم همیشه‌درصحنه‌ی آن خواهد بود.

استعدادهایی که ته می‌کشند؛ مسئول کیست؟!

آن ایجاد بکنند و از نیروهای موجود استفاده بهینه کرده و صداقت را جایگزین خودمحموری‌ها قرار بدهد، می‌تواند از خودش نامی نیک در تاریخ فوتبال به یادگار بگذارد.

ورزش و فوتبال ما سال‌ها از سلیقه‌های شخصی و تصمیمات آنی ضربه‌ها خورده‌است. این ضربه‌ها بدون شک در نابودی استعدادها و به هدر رفتن آن‌ها مهم‌ترین نقش را داشته‌اند. به‌راستی در میان مسئولین و دارندگان عناوین پرطمطراق رییس و مدیر چه کسانی در نابودی استعدادها و به هدر رفتن سرمایه‌ها مؤثرند و مقصر؟

آیا این‌که من صاحب عنوان باشم و بر ورزش منطقه حکمرانی بکنم، کافی است؟ یعنی با بودن من و من‌ها هر سد و مانعی که در مقابل

هیئت‌های ورزشی باشد مشکلی نیست؟ به نظر آن‌ها درد دو ورزش نبودت آن‌ها در راس قدرت است، اگر باشند همه‌چیز بر وفق مراد است و اگر درب هیئتی تخته بشود و حرکتی از آن سر نزنند هیچ ایرادی ندارد همین‌که آن‌ها در راس هستند افتخاری است برای ورزش و ورزشی‌های منطقه.

دل همه دوستداران فوتبال شهر از عدم توجه مسئولین و بی‌تفاوتی در قبال سکون و بی‌تحریکی آن خون است. فوتبال شهر اردبیل خلاصه شده‌است در قضاوت برخی داوران در سطوح مختلف لیگ‌های کشوری. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این حرکت مثبت بشود ولی قضاوت داوران در شهرهای دیگر برای فوتبال و آینده نوجوانان این شهر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ آیا داوران اردبیلی در سال‌های اخیر در رقابت‌های فوتبال باشگاهی شهر اردبیل سوت زده‌اند؟ اگر بهترین داوران فوتبال را داشته باشیم ولی فوتبال شهر از قضاوت آن‌ها در مسابقات خودش بی‌بهره باشد آن‌ها هیچ تأثیری در روند رو به جلو نمی‌توانند داشته باشند. مطمئن تاریخ در مورد کسانی که به خاطر بودن در مسند قدرت؛ چشم بر روی واقعیت‌های فوتبال شهر اردبیل بستند و دم نزنند، قضاوت خواهد کرد.

در فوتبال بازیکن زمانی می‌تواند به آمادگی لازم برسد و توانایی‌های خود را به رخ دیگران کشیده و مراحل پیشرفت را طی نماید که در رقابت‌های متعدد حضور یابد و از هر مسابقه یک تجربه جدید کسب کند.

چرا سال‌هاست فوتبال شهر اردبیل نتوانسته چهره‌ای مطرح در فوتبال را معرفی بکند؟ چرا در رده‌های پایه از این شهر بازیکنی در تیم‌های ملی پایه وجود ندارد؟ آیا چاه استعداد‌های جوانان و نوجوانان منطقه خشک شده‌است و یا عوامل دیگر دست‌به‌دست هم داده‌اند و این چاه را با ریختن بتن و سرپوش فولادی بی‌مصرف کرده‌اند؟

این گفته‌ها را هیچ‌کس به خود نگیرد و بلافاصله بساط اتهام زنی راه نیاندازد و با مصاحبه‌های رنگی و اویزان شدن از دامن یک عده ارقام راه نیندازد. خیلی ساده بوده و کار سختی نیست. اگر شهرستان اردبیل ملی‌پوش در رده نوجوانان و جوانان داشته معرفی شود و بازی‌هایی که به میدان رفته اعلام گردد. البته حضور در استعدادیابی‌ها و اردو‌هایی از این دست ملاک ملی‌پوش شدن نیست. مفهوم ملی‌پوش بودن با معرفی به اردوی استعدادیابی زمین تا آسمان می‌تواند فرق داشته باشد.

طبیعی است در شهری که رقابت‌های قهرمانی در سطوح مختلف نداشته باشد و مسابقات به‌اصطلاح استانی اش در رده‌های پایه با حداقل تیم‌ها و حداقل بازی‌ها برگزار شود و استانی که لیگ آن برنامه‌ای منظم از شروع، ادامه و پایان پیش روی نداشته باشد آیا انتظار بروز و درخشش چهره‌های مطرح و توانا می‌تواند نتیجه‌بخش باشد؟

یک نوجوان و جوان علاقه‌مند به فوتبال در صورت وجود مسابقات متعدد و حاکمیت روال منطقی بر امور رقابت‌ها و قرار گرفتن در کوران آن می‌تواند برای آینده فوتبال خودش شروعی دل‌پذیر داشته باشد.

در فوتبال ما هر فرد و هر مسئولی که بتواند تحولی در ساختار

۶۳ هزار واحد مسکونی روستایی اردبیل مقاوم‌سازی شد

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل از مقاوم‌سازی نزدیک به ۶۳ هزار واحد مسکونی در مناطق روستایی این استان خبر داد.

فرهاد سبحانی در نشست با ائمه جمعه اردبیل بیان کرد: این طرح در کشور از سال ۱۳۸۴ آغاز و در استان اردبیل نیز برای ۱۰۰ هزار واحد روستایی اقدام به بهسازی و مقاوم‌سازی انجام شد که تاکنون شاهد مقاوم‌سازی ۶۳ هزار واحد هستیم.

وی سهمیه استان اردبیل در بحث مقاوم‌سازی مسکن روستایی برای سال جاری را چهار هزار واحد عنوان کرد و افزود: برای سه هزار و ۶۰۰ واحد با همکاری ۲۸ دفتر فنی و ۲۸۰ مهندس ناظر معرفی به بانک‌های عامل انجام شده است.

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل در ادامه به طرح‌های هادی روستایی اشاره کرد و گفت: یک‌هزار و ۸۴۹ روستای دارای سکنه در این استان وجود دارد که برای یک‌هزار و ۱۷ روستای بالای ۲۰ خانوار طرح هادی تهیه و تدوین شده است.

وی با اشاره به اینکه از این تعداد در ۴۸۳ روستا طرح هادی اجرا شده است، اضافه کرد: بر اساس آخرین آمارها در ۵۰ روستای استان اردبیل طرح هادی در حال اجرا و بازنگاری است.

سبحانی با اشاره به اینکه تنها مجوز تهیه و تدوین طرح هادی برای روستاهای بالای ۲۰ خانوار صادر شده است، اظهار کرد: البته برخی موارد استثنا نیز وجود دارد و از جمله ۱۸۰ روستا مطالعه و برای آنها طرح هادی تهیه شده است.

وی همچنین از تلاش‌ها برای بازنگاری طرح هادی ۹۰ روستا در سال جاری خبر داد و بیان کرد: قرار است سالانه در ۱۲۰ روستا بازنگاری طرح هادی انجام شود.

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل با اشاره به اختصاص ۴۲۰ میلیارد ریال اعتبار طرح‌های هادی در سال گذشته، گفت: ۳۲۰ میلیارد ریال از این اعتبار سال گذشته اختصاص یافت و امسال نیز تاکنون با تصویب یک‌هزار و ۱۰۰ میلیارد ریال، توانستیم ۷۷۰ میلیارد ریال محقق کنیم.

فضول باشی و طرفداری از حق

استان باید تحولی بزرگ صورت بگیرد. اگر معتقدیم که تامین خواسته‌های مردم در همه زمینه‌ها ضرورت دارد، لحظه‌ای درنگ و کم‌کاری روا نیست. مردم از دولت مردمی حمایت کرده و می‌کنند و دوست دارند که در کمترین زمان ممکن گام‌های اساسی برای رفع مشکلات برداشته شود.

فضول باشی همیشه می‌گوید: معیار سنجش کارایی مسئولان در عرصه ورزش، آسان‌ترین راه و روش را به خود اختصاص می‌دهد. ممکن است کسی بگوید ده‌ها باغ و سرا و مغازه و ویلا و کاخ و ثروت دارد. ولی وقتی به او بگویند که بفرما در جیب و کیف و حساب بانکی چه داری نقاب از صورت‌ها کنار زده می‌شود.

خیلی‌ها ممکن است بگویند که از شهر اردبیل فلان تعداد تیم و ورزشکار به مسابقات اعزام شده‌اند. باید به آن‌ها گفت نتایجی نتایجی که به دست آمده کدام‌ها هستند، آیا آن‌هایی که اعزام شده‌اند، مقامی به دست آورده‌اند و یا در کار تحقیقات گردشگری بوده‌اند؟

خلاصه این فضول باشی ما آدم عجیبی است هیچ وقت خسته نمی‌شود و از این‌که مدافع حق باشد و به بیان واقعیت‌ها بپردازد ترس و واهمه‌ای هم از کسی ندارد و این دلیل محبوبیت وی در بین ورزشی‌های صادق است.

می‌آورند. آن‌ها خیلی وقت یکی به نعل و یکی به میخ می‌زنند. تا دیروز فدایی دولت تدبیر و امید و هوادار آن بودند و امروز برای این‌که بمانند و باشند، ارادتمند و سر سپرده دولت فعلی شده‌اند.

او بارها گفته‌است که ریشه این‌الوقت‌ها باید از ورزش منطقه کنده شود. باید کسانی که در مقطعی با سفارش این و آن و یا فشار زید و قدرت عمر به جایگاهی رسیده‌اند، غزل خداحافظی را بخوانند و اجازه بدهند جوان‌های لایق و امیدهای آینده کشور و ورزش منطقه به روی کار بیایند و در همه موارد صداقت و یک‌رنگی و رفتار حساب‌شده را در دستور کار قرار بدهند.

فضول باشی معتقد است که برای گفتن حقایق و پافشاری جهت حاکمیت حق باید توان بدهند و در این راه نباید ترسی به دل راه یابد. کسانی که در عرصه رسانه فعال هستند ضروری است که قلم از پی حق بزنند و دستورات هوی و هوس و نفس و تن را اجرا نکنند. اگر واقعیت را ببینند و در بیان آن‌ها کوتاهی کنند، گناهی بزرگ و نابخشودنی مرتکب می‌شوند.

چو می‌بینی که نابینا و چاه است
اگر خاموش بنشیننی گناه است
فضول باشی اعتقاد دارد که در همه امور اجرایی شهر و

فضول باشی ورزش مثل این‌که کار و زندگی ندارد. مدام در اطراف ورزشگاه تختی و یا اداره‌ی کل ورزش و جوانان پلاس است تا شاید سوزهای پیدا بکند و به یک خبر دست‌اولی دست یابد.

او از وضع موجود ورزش و برخی از رشته‌های ورزشی راضی نیست. اصلاً اعتقاد دارد که عامل نابسامانی در رشته‌ها و هیأت‌های ورزشی شهر و استان خود مسئولین ورزش هستند.

معتقد است: وقتی مسئولی برای پر کردن کارنامه و پوشش ضعف‌ها، دست به دامن کلیات می‌شود و به نوعی در سرپوش گذاشتن به کم‌کاری‌ها اقدام نموده و به جابه‌جایی اعداد و ارقام می‌پردازد آیا باید انتظار حرکت پیشرفت و تعالی از آن را داشت؟

فضول باشی معتقد است: کار را تا بدانجا رسانده‌اند که وقتی یک دلسوز و علاقه‌مند واقعی می‌خواهد حرف حق بزند و بر واقعیت‌های موجود تکیه نماید، جمعی اندک و شناخته شده شروع به مخدوش کردن و لوث نمودن چهره‌های معترض می‌شوند.

فضول باشی عقیده دارد: آن‌هایی که ورزش منطقه را ارث پدری خود می‌دانند و به‌هیچ‌وجه راضی به دل کردن دل‌کنند از آن نیستند، وقتی با حرف حق روبه‌رو می‌شوند تاب تحمل از دست می‌دهند و به هذیان گوئی و ... روی

فوتبال اردبیل و تیغ جراحی

ورزش اردبیل گذشته‌اش سرشار از موفقیت و افتخار است. برخی‌ها بدجوری به بیان و ذکر سرنوشت ورزش در سال‌های نه‌چندان دور حساسیت دارند. تا می‌خواهی بگویی که در مقطعی از تاریخ نصف اوزان تیم‌ملی کشتی‌فرنگی در اختیار جوانان اردبیل بوده‌است مدعی می‌شوند که آن زمان نسبت به امروز تفاوت‌های اساسی داشته‌است و یا زمانی که با سند و برهان از پویایی فوتبال اردبیل سخن می‌گویی، بلافاصله موضع‌گیری می‌کنند و به مقابله برمی‌خیزند و از دست زدن به اقدامات دور از اخلاق ورزشی نیز کوتاهی نمی‌کنند.

مثلاً شرایط چه فرقی داشته‌است که امروز حتی یک نفر به اردوی آمادگی کشتی دعوت نمی‌شود؟ آن موقع سالتو و بار را طور دیگری می‌زدند و یا کار کردن دست‌ها در سرپا ممنوع بوده‌است و یا به‌جای نشستن در خاک، هوایی می‌شدند؟ و یا اندازه زمین فوتبال در دهه شصت کوچک و شبیه زمین چمن معروف دروازه خلخال بوده‌است و یا در آن وقت‌ها اندازه دروازه کوچک‌تر و تیم‌ها از دو دروازه‌بان استفاده می‌کردند و آیا در آن مقطع توپ‌های، بادکنکی بودند و حمل آسانی داشتند؟ چرا نمی‌توانیم واقعیت‌ها را بپذیریم و به چه دلیل شهامت، جسارت و قدرت اعتراض به بعضی از ضعف‌ها و بی‌برنامگی‌ها را نداریم. چرا در دام نفس و مقام‌پرستی گرفتار شده‌ایم و هر روز با پناه بردن به دامن آمارهای ساختگی و آمار و ارقام گول زنده رکورد می‌شکنیم؟

همه گذشته ورزش اردبیل می‌تواند شهادت بدهند که از استعدادها و توانایی‌های جوانان این منطقه چیزی کاسته نشده‌است و باید فرق‌ها و تفاوت‌ها را در سبک مدیریت‌ها و نگاه به ورزش جستجو کرد.

این شهر هم چنان قادر است که ده‌ها چون احد پازاج‌ها، اشکانی‌ها و صمدی‌ها و جدی‌ها و خوشطینت‌ها و... تحویل ورزش کشور بدهد و یا صدها مقصود بایرامی‌ها و ناصر عروجی‌ها و جعفرظاهری‌ها و نادر کهنمی‌ها و داوود آقا جسنی‌ها و... به فوتبال اردبیل تقدیم نماید. کار از یک‌جای دیگر لنگ است و این لنگی را باید به دست تیغ جراحان سپرد و جراحی کرد و گرنه در این فوتبال هیچ چیزی تغییر نخواهد کرد.

فوتبال برای این‌که در جایگاه اصلی‌اش قرار بگیرد قبل از جابجایی افراد و نشستن حسن به‌جای حسین و تعویض مهره‌ها و جایگزینی‌های بی‌حساب و کتاب ضرورت دارد که افکار حاکم بر آن تغییر کند. تا زمانی که تغییر و تحول در فوتبال را به رفتن عمرو جلوس زید تعبیر بکنیم، وضعیت حاکم بر آن هیچ تغییری نخواهد کرد.

اینجاست که بارها گفته‌ایم فوتبال به‌جای تغییر نفرات و آدم‌ها نیاز به تغییر و ایجاد تحول در افکار حاکم بر آن دارد. تا وقتی که منطق در فوتبال حاکم نشود، قوانین و مقررات مو به مو اجرا نگردد، همه مرتب‌ترین به آن به یک اندازه مورد توجه قرار نگیرند، فرصت‌طلبی و بزرگ‌نمایی جای خود را به صداقت و بیان واقعیت‌ها ندهد، و تا وقتی که هیئت فوتبال امید و تکیه‌گاه همه فوتبالی‌ها نباشد، امیدواری برای رسیدن به نقطه اوج و برطرف شدن مشکلات و آغاز حرکتی نو و برنامه‌ریزی در همه ابعاد، امکان‌پذیر نمی‌شود. همه باید برای تغییر افکار حاکم بر فوتبال تلاش بکنند و در این راه گام بردارند.

کلی گویی آفتی برای ورزش

مدیرانی که بقای خود را در ارایه آمارهای دهان پرکن و بازی با ارقام و اعداد می‌جویند، در مناسبت‌های مختلف یک‌هتازی می‌کنند و در کنار تمثال مبارکشان آن‌چنان از فعالیت‌ها سخن می‌گویند که همه آشنایان به مسائل را انگشت‌به‌دهان می‌کنند.

دوران پرداختن به حاشیه‌ها و فراموش کردن مسائل اصلی و اساسی گذشته‌است. رفتار آن‌هایی که استحکام صندلی مدیریت را همچنان در روش‌های منسوخ‌شده در کنار ارائه آمارهای ساختگی و یا حرف‌های کلی می‌دانند، مشخص شده و به قول معروف حنای این قبیل افراد برای علاقه مندان به مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و ورزشی دیگر رنگی ندارد.

یکی از کارهایی که این قبیل افراد انجام داده و به موقع و سر وقت وارد صحنه می‌شوند، مناسبت‌های مختلف است. مناسبت‌هایی که مردم به آن‌ها دل‌بستگی خاص داشته و اتفاقات و اقدامات روی داده در بزرگداشت و تکریم آن‌ها را پیگیری می‌کنند، مناسبت‌هایی که در سطح جامعه از جایگاه خاص و والایی برخوردارند و به‌خاطر همین قداست و مقام والا، فرصت‌طلبان آمارساز مدت‌ها در کمین می‌نشینند تا با فرارسیدن آن‌ها بر اسب مراد سوار شوند و با یکسری برنامه‌های بی‌محتوا و تکراری و فاقد هر گونه خروجی مثبت در فضای رسانه ای مانور بدهند و با کمک دوستان و غلامان حلقه به گوش و یا در سایه تاثیر کارت‌های هدیه، چند روزی قدرت بلامنازع فضای مجازی باشند و به این ترتیب ضعف عملکردها و کارنامه‌ها را سرپوش بگذارند.

چرا کلی‌گویی را مدیران ضعیف و لنگر انداخته‌های برخی از ادارات و نهادهای دوست دارند و به آن عشق می‌ورزند؟ این کار دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد.

کلی‌گویی می‌تواند نوعی فرار محسوب شود. وقتی مسئولی در قبال افکار عمومی به سوالات مطرح شده، موردی برای ارائه نداشته باشد، چاره‌ای جز دست به دامن شدن کلی‌گویی باقی نمی‌ماند. به‌عنوان مثال به‌جای این‌که بگوییم در چه مسابقاتی چه مقام‌هایی به دست آورده و چه جایگاه‌هایی را به تصرف درآورده‌ایم مدعی می‌شویم که در فلان تعداد مسابقه حضور داشته‌ایم. وقتی در مسابقات، نتایج به‌دست‌آمده جز روسیاهی چیز دیگری نباشد برای پاک کردن صورت مسئله مهم‌ترین وسیله کلی‌گویی و فرار از صحنه می‌باشد.

طرف‌داران و سینه‌چاکان کلی‌گویی می‌خواهند با دستاویز قرار دادن یکسری ارقام و آمار، مخاطبین را مجبور به سکوت بکنند و ذهن آن‌ها را درگیر مسائل فرعی نموده و از اصول اساسی و اولیه منحرف‌شان نمایند. شخص کلی‌گو سطح مخاطبین اش را پائین فکر کرده و سعی می‌کند زیرکانه و با استفاده از یکسری ترفندها به توجیه رفتارها و ادعاهای خود بپردازد غافل از این‌که وقتی به‌مرور، انگیزه او روشن شود پرونده مدیریت و یک‌هتازی اش مسدود می‌شود.

با کلی‌گویی می‌توان عجیب‌ترین، مضحک‌ترین و دور از واقعیت‌ترین موضوعات را به مخاطبین که ترفند کلی‌گویی را نمی‌فهمند، ارائه کرد.

بیشتر آن‌هایی که کلی‌گویی می‌کنند از آوردن دلیل، عاجز و درمانده هستند. مثلاً می‌گویند: اوج شکوفایی فلان اداره در دوران مدیریت من بوده‌است. اگر به آن‌ها بگوییم به چه دلیل؟ رنگ از رخسارشان می‌پرد و زبان‌شان بند می‌آید.

در کلی‌گویی تلاش می‌شود که بدترین را بهترین و بهترین را بدترین قلمداد کنند. در این ارتباط نیز می‌توان مثال‌های متعددی زد، ولی برای این‌که ذهن قهرمانان کلی‌گویی را به جاهای دیگر رهنمون نشویم و آن‌ها را به مقام پاسخ‌گویی با آویزان شدن از دامن کلی‌گویی ترغیب و مجبور نماییم به‌همین مقدار بسنده می‌شود، شاید در فرصتی دیگر و آغاز فعالیت این افراد در مقوله ورزش با توجه به مناسبت‌های پیش رو با دلیل و مدرک و مستندات بیشتر حرف بزنیم.

پول کثیف و انتخابات فوتبال

معامله بکند و به نسل نوجوان و جوان مملکت اسلامی خیانت نماید.

این‌ها نقل قول‌ها و حرف‌های بی‌پایه‌ای هستند که فقط چیزی جز مخدوش کردن چهره رأی‌دهندگان در مجمع نبوده و نخواهد بود.

هر روز در مناطق مختلف در این ارتباط، شایعات جدیدی به گوش می‌رسد. یکی می‌گوید مهندسی شده و مهره‌ها به‌خوبی در صفحه شطرنج چیده شده‌اند و هیچ جای نگرانی نیست و آن دیگری می‌گوید، برای برنده شدن هرچقدر که لازم باشد هزینه می‌کنم و آن یکی رو دست وی بلند می‌شود و می‌گوید هر چقدر هزینه کنند و برابرش می‌کنم. باور این حرف‌ها خیلی سخت است و باز تکرار می‌کنم که حتما حرف بیپوده در لباس شایعه است که هر روز به‌نحوی دهان به دهان می‌شود.

آخر مگر این فوتبال و ریاست بر آن در سطح استان‌ها چه منفعتی و چه درآمدی دارد که باید برای رسیدن به آن هزینه‌های آن‌چنانی کرد؟ اصلاً مدیری که با حرف‌وحدیث و شایعات این‌چنینی بر سر کار آید تا چه حد می‌تواند برای ورزش و فوتبال استان‌ها منشأ خیر و برکت باشد؟

امیدواریم تغییراتی در اساسنامه هیئت‌های استانی انجام پذیرد. تغییراتی که اجازه میدان‌داری به یکی از کاندیدها ندهد و دست او را برای انتخاب مهره‌ها و نشانیدن آن‌ها در صندلی‌های مجمع باز نگذارد. وقتی تشکیلاتی به نام مجمع انتخاباتی، انتخاب نفرات و اعضای آن دست افراد ذی‌نفع بوده باشد هر چقدر که کارها، اصولی، دقیق و قانونی انجام پذیرد حتما در اطرافش حرف حدیث خواهد بود. شیوع شایعاتی چون ورود پول کثیف بیشتر قوت می‌گیرد.

در نهایت نگارنده این سطور معتقد است که بحث پول کثیف در انتخابات فوتبال استان ما نمی‌تواند جایی داشته باشد و خدای‌ناکرده اگر فردی با این قصد و هدف سعی بر رسیدن یا ماندن در قدرت داشته باشد رسوایی‌اش می‌تواند حتمی و صددرصدی باشد.

خداوند قادر و منان روح نویسنده بزرگ ورزشی و یکی از چهره‌های معروف سرانه، مرحوم مهدی اسداللهی را شاد فرماید که عنوان پول کثیف در فوتبال را برای اولین بار در مجله وزین کیهان ورزشی مطرح کرد.

آن مرحوم با قلمی شیوا و منحصربه‌فردش، بارها و بارها در مورد ورود پول کثیف به فوتبال و آثار مخرب و نابودکننده آن مطلب نوشته و سخن گفت. متأسفانه کسانی که در آن مقطع زمانی برای راه‌اندازی فوتبال حرفه‌ای مصمم بوده و نفع خود و هم باندی هایشان را در آن جستجو می‌کردند، فریادهای برآمده از گلوئ علاقه‌مندان صادق و مفسرین کار کشته را خیانت دانستند و برای خاموش کردن آن‌ها از هر روشی استفاده نمودند.

هر پولی که بدون زحمت، تلاش و دوندگی به‌دست‌آمده و در فوتبال هزینه شود اصطلاحاً به پول کثیف معروف است.

اگر می‌بینیم که اوضاع آشفته فوتبال، قابل مهار نیست و اگر هر روز شاهد گسترش ناهنجاری‌ها در آن هستیم و اگر باید با چراغ قوه به‌دنبال صداقت در عرصه آن بگردیم و اگر دروغ و نفاق را بر راست‌گویی و یک‌رنگی غالب ببینیم، عمده دلیل اش جز میدان‌داری پول کثیف در آن نبوده و نیست.

ریخت‌وپاش و هزینه‌های آن‌چنانی در برگزاری رقابت‌ها و عقد قراردادهای و نحوه تنظیم آن‌ها خود حاصلی از حضور پول کثیف در فوتبال زوار در رفته‌ما محسوب می‌شود.

فوتبال کثیف به آن اندازه پایه‌های سلامت و درستی در فوتبال را لرزان و سست کرده‌است که انسان به همه قراردادهای و قول و قرارها به دیده‌ی شک و تردید نگاه می‌کند.

در بیان نقش متفاوت و چندگانه پول کثیف، احتمال تعیین‌کنندگی آن در مجامع انتخاباتی هیئت‌های استانی غیرقابل‌قبول و زجرآور است. کدام عقل سلیم و وجدان بیدار می‌تواند بپذیرد که دارندگان عنوان حامیان فوتبال، سرنوشت آن را با پول‌های کثیف

جشنواره بازی‌های زمستانی خلخال برگزار شد

هشتمین دوره جشنواره خانوادگی ورزش‌ها و بازی‌های زمستانی خلخال گرامیداشت دهه مبارک فجر با استقبال گرم مردم در این شهرستان برگزار شد.

رئیس اداره ورزش و جوانان خلخال در جریان برگزاری این جشنواره در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: در این جشنواره که پس از سه سال توقف و تعطیلی در منطقه طهرستان واقع در کیلومتر ۱۱ جاده خلخال به شاهرود و در یک روز برفی برگزار شد هزاران نفر از شهروندان برای تماشای این رویداد ورزشی خانوادگی حضور یافته و همچنین صدها نفر از ورزشکاران و هنرمندان رشته‌های مختلف با هم رقابت کردند.

سید ناصر میرمرسلی افزود: در این جشنواره مسابقات اسکی سرعت، تیراندازی به اهداف پروازی (تراپ)، کوهپیمایی سریع به قله طهرستان، ساخت تندیس‌های یخی و برفی توسط هنرمندان، پرواز بادبادک‌ها، رژه سوارکاران، موسیقی و ده‌ها برنامه شاد و متنوع دیگر برگزار شد.

میرمرسلی افزود: استفاده از ظرفیت زمستانی منطقه برای تکان روحی در مردم، ایجاد روحیه نشاط پس از ۲ سال خانه‌نشینی اجباری کرونا و فراهم ساختن محیطی سالم برای رقابت‌های ورزشی در بین خانواده‌ها از جمله اهداف برگزاری جشنواره امروز بود.

ارتقای شاخص‌های توسعه استان اردبیل هدف گذاری شده است



سالجاری اعتباراتی به این حوزه نیز تزریق شده و بخشی از اعتبارات هم برای سال بعد در نظر گرفته شده است. استاندار اردبیل اضافه کرد: کل مسیر راه آهن اردبیل - میانه ۱۷۶ کیلومتر بوده که ۱۱۰ کیلومتر آن ریل گذاری شده و ۶۰ کیلومتر هم که شامل قسمت‌های مهم و تونل هاست که در سفر رئیس جمهور دستورات ویژه برای تامین منابع مالی آن داده شده است. وی گفت: این قول را می توانم به مردم استان بدهم که تمام تلاش خود را برای تسریع در تکمیل راه آهن به کار می گیریم تا در اسرع وقت تکمیل و به بهره‌برداری برسد.

متوسط کشوری است، تشریح کرد: با وجود بی‌توجهی به ارتقای شاخص‌های توسعه از جمله تولید، بهبود وضعیت آموزش، فرهنگ و سرمایه گذاری حتی جذب میلیاردها تومان اعتبار نیز مشکلی را از استان حل نخواهد کرد. استاندار اردبیل با بیان اینکه تلاش می کنیم میزان برخورداری استان از توسعه را به میانگین کشوری ارتقا دهیم، تصریح کرد: در این راستا همه مسئولان باید با احساس وظیفه بیشتر و همدلی و همراهی اقدام کرده و از نگاه‌های تنگ‌نظرانه که باعث عقب‌ماندگی استان می‌شود، بپرهیزند. وی با اشاره به اینکه فقط با وحدت، همدلی، همراهی و یاری همدیگر می توانیم به توسعه دست یابیم، افزود: اختلاف افکنی بین مردم و ایجاد بدبینی و کدورت مردم یک شهرستان نسبت به شهرستان دیگر کمکی به پیشرفت منطقه نخواهد کرد و هر کسی اختلاف ایجاد کند و وحدت مردم را هدف قرار دهد خیانت کرده است. عاملی در ادامه به پروژه راه آهن میانه- اردبیل اشاره کرد و گفت: این پروژه به لحاظ احداث ابنیه فنی و چندین دهنه تونل پروژه بزرگی است و به دلیل عدم تامین منابع مالی متناسب روند اجرای آن طولانی شده است. وی بیان کرد: برای ممانعت از تعطیلی پروژه‌های عمرانی در

استاندار اردبیل گفت: بسیاری از شاخص‌های توسعه استان پایین است و ارتقای آن برای رسیدن به میانگین کشوری هدف گذاری شده است. سید حامد عاملی در یک گفت و گویی خبری افزود: سهم ناچیز ۹/۰ درصد استان اردبیل در سرانه تولید ناخالص ملی یکی این شاخص‌هاست که تاثیر مستقیم بر وضعیت معیشتی، درآمدها و اوضاع اقتصادی مردم دارد. وی ادامه داد: رتبه استان اردبیل در بیشتر شاخص‌های توسعه بین ۲۲ تا ۲۷ استان‌های کشور است. استاندار اردبیل به بیان میزان بهره‌مندی استان از راه‌ها به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های توسعه پرداخت و گفت: تاکنون شاخص برخورداری استان از بزرگراه‌ها نسبت به متوسط کشوری ۱۱ درصد بوده در حالی که این رقم در کل کشور ۲۴ درصد است. عاملی مدیریت صحیح و عادلانه منابع مالی و اعتبارات بر اساس ظرفیت‌ها و استعداد های مناطق، توجه به منابع انسانی و مسایل فرهنگی و اجتماعی را اساس توسعه و پیشرفت استان دانست. وی با بیان اینکه کیفیت آموزش در استان پایین‌تر از

موانع واحدهای تولیدی استان اردبیل به صورت هفتگی بررسی و تعیین تکلیف می‌شوند



رسیدگی می‌شود که تاکنون صدها مورد بررسی، و بیش‌تر موانع آن‌ها رفع شده و در لاین راستا همکاری بانک‌های عامل با واحدهای تولیدی و سرمایه‌گذاران لازم است. وی با اشاره به اهمیت استفاده از محصولات تولیدشده در داخل استان اردبیل گفت: استفاده از محصولات تولیدشده در داخل استان اردبیل برای حمایت از واحدهای فعال استان اهمیت دارد که در این راستا باید در ساخت واحدهای مسکونی قانون جهش تولید مسکن و ساختمان‌های ادارات دولتی از محصولات با کیفیت تولیدشده در استان استفاده شود.

استاندار اردبیل بر ضرورت رفع موانع تولید و سرمایه گذاری توسط ستاد تسهیل استانی تأکید کرد. سیدحامد عاملی، استاندار اردبیل در جلسه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید استان اظهار کرد: با توجه به نام گذاری امسال به عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها»، عمل به این عنوان در اولویت قرار دارد که در این راستا وظیفه اصلی ستاد تسهیل استانی رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری است و هر هفته تعدادی پرونده دارای مشکل بررسی می‌شود که باید به نتیجه قابل قبول منتهی گردد. وی افزود: سازمان صمت استان هر هفته تعدادی پرونده دارای مشکل را برای بررسی بیشتر به ستاد تسهیل تولید معرفی می‌کند و مصوبات این ستاد حکم قانون را داشته و بانک‌های عامل و دستگاه‌های اجرایی باید به این مصوبات عمل کنند که وظیفه نظارت بر اجرای مصوبات ستاد تسهیل بر عهده سازمان صمت است. وی در ادامه گفت: برخی واحدهای تولیدی در مسیر فعالیت خود با موانعی مواجه هستند که این مسائل در ستاد تسهیل و رفع موانع تولید با حضور طرفین به صورت جدی بررسی و راهکار مناسب برای باز کردن گره‌ها ارائه می‌شود که خوشبختانه در ستاد تسهیل تولید بیش‌تر گره‌ها باز می‌گردد. وی افزود: خوشبختانه با حضور بانک‌های عامل و دستگاه‌های اجرایی در ستاد تسهیل تولید، روند توسعه و پیشرفت رو به جلو بوده و در هر جلسه به مشکلات چندین واحد تولیدی استان